

از گوشه و کنار

خاک ایران هم چنان قاقاق می شود



مدیر کل دفتر آب و خاک سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه طی سال های گذشته «قاقاق خاک» یکی از موضوعات چالش برانگیز بوده است، اعلام کرد: قاقاق خاک ایران از دهه ۸۰ شروع شده و هم چنان ادامه دار است. علی مریدی در پاسخ به این پرسش که آیا از ایران خاک قاقاق می شود؟ گفت: قاقاق خاک مزارع و مزارع را داریم، اما در مورد قاقاق خاک های معدنی من گزارشی دریافت نکردم. این کارشناس سازمان حفاظت محیط زیست در مورد قاقاق خاک مزارع و مزارع ایران گفت: قاقاق خاک مزارع و مزارع بیشتر از استان های جنوبی از جمله استان فارس صورت می گیرد. مریدی در پاسخ به این پرسش که خاک ایران به کجا قاقاق می شود، گفت: مقصد خاک قاقاق شده، کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه امارات و قطر است که در امارات برای ساخت جزایر مصنوعی و در قطر برای خشک کردن دریا استفاده می شود. وی تاکید کرد: در سال های اخیر به دلیل کم شدن تقاضا و افزایش حساسیت ها قاقاق خاک تاحدی کنترل شده است. دوسال پیش هم معصومه ابتکار - رئیس وقت سازمان حفاظت محیط زیست - با اشاره به برداشت بی رویه و حتی قاقاق خاک جزیره هرمز خواستار برخورد نهادهای نظارتی با موضوع قاقاق خاک شده و گفته بود: قاقاق خاک هرمز که امری غیر قانونی است موجب مشکلات زیست محیطی می شود.



آنتن صداوسیما در اجاره

ناشران کتاب های کمک درسی

آنتن فروشی صداوسیما درباره کتاب های کمک آموزشی و کلاس های کنکور تمامی ندارد. این بار جمعی از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش در نامه ای به رئیس رسانه ملی تاکید کردند که تبلیغات صداوسیما، به توهم یادگیری در خانواده ها دامن می زند. در بخشی از این نامه آمده است: بخش قابل توجهی از برنامه های شبکه های مختلف صداوسیما به تبلیغ مستقیم و غیرمستقیم منابع کمک درسی به بهانه موفقیت دانش آموزان در آموزش مدرسه ای اختصاص داده شده است. براساس آمارهایی که کارشناسان آموزشی داده اند یک مؤسسه آموزشی در طول یک سال برای پخش آگهی های بازرگانی رقم ۳۰۰ میلیارد تومان پرداخت کرده است یا برخی کارشناسان هم از گردش مالی ۸ هزار میلیارد تومانی مؤسسات کنکور می گویند که بخش اعظم این گردش مالی مدیون تبلیغاتی است که صداوسیما برای این مؤسسات انجام می دهد.



تولید پفک از خوراک دام در دست بررسی است



سختگوی سازمان غذا و دارو در خصوص خبری مبنی بر تولید پفک در دو کارخانه با استفاده از خوراک دام گفت: در حال بررسی هستیم تا اطلاعات لازم را در این باره بدست بیاوریم. کیانوش جهانپور درباره خبری مبنی بر تولید پفک در دو کارخانه با خوراک دام به خبرنگار ایلنا گفت: اخیرا به نقل از جهاد کشاورزی خبری اعلام شده است و ادعا می شود: ذرت های ترار پخته که برای خوراک دام به کشور وارد شده بود، توسط دو کارخانه برای تولید پفک استفاده شده است. وی ادامه داد: کارشناسان نیز در حال بررسی هستند تا صحت و سقم این موضوع را در یابند و اطلاعات لازم را به دست بیاورند و پس از پایان بررسی ها در این خصوص اطلاع رسانی خواهد شد. سختگوی سازمان غذا و دارو با بیان این که سازمان غذا و دارو و سازمان استاندارد به طور مداوم نظارت های خود را بر تولیدات این کارخانجات انجام می دهند، تصریح کرد: خیلی مواد ممکن است کن - ملی عمل کن»، راهکار معرفتی برای پاسخگویی به نیاز انسانی نیمه از جامعه در عرصه ورزش است. نیازی که با توجه به شرایط جهانی تبدیل به نیاز اکثریت جامعه شده است.

چرخه فزاینده های میان ورزش زنان، کارکردهای آن و توسعه انسانی، وجود دارد. هرچه ورزش زنان رشد کند، کارکردهای آن قوی تر می شود؛ این کارکردها، موجب رشد بیشتر توسعه انسانی نیز خواهد شد. رشد توسعه انسانی هم به معنای رشد بیشتر ورزش زنان و ادامه این تعامل است

صداقت زادگان به یک نکته مهم نیز اشاره می کند: زن می خواهد در فضای عمومی ورزش کند، ولی احساس مطلوبی ندارد؛ چون رعایت پوشش تکلیف او را ساقط کرده و به نظر می رسد حالا نوبت مرد است که بر اساس آموزه های دینی تقوا پیشه کند. کشور ما، دومین مصرف کننده لوازم آرایش در دنیا است. ابراز وجود یک نیاز طبیعی است، ولی وقتی که ابراز وجودی که شرعی و عرفی و مورد پسند خداوند است، نفی شود؛ بالطبع به طریق دیگری تأمین خواهد شد. اگر زن در المپیک قهرمان شود، می تواند الگو باشد و حتی ابراز وجود کند. این در حالی است که زنان در جامعه ما تأیید جنسیتی نمی گیرند و طبعا به طرف مسائل دیگری مثل اغراق در آرایش و عمل های جراحی می روند. حتی زنانی هستند که می توان گفت پوشش شان به طریقی است که جنسیت خود را نفی می کنند. در این شرایط، با وجود آن که ورزش به خودی خود، چنین چیزی را تقویت نمی کند ولی شاید زنانی که جنسیت شان مورد تأیید نبوده این نفی را در ورزش جست و جو می کنند.

موانع ورزش زنان

موانع مشارکت زنان، به سه دسته تقسیم می شود: اول موانع عملی مانند: کمبود وقت بچه داری، ضعف بنیه مالی - کمبود حمل و نقل عمومی امنیت شخصی و عدم دسترسی به تسهیلات ورزشی. دست دوم موانع شخصی هستند مانند: نوع تلقی زنان از بدن، پوشاک و تجهیزات ورزشی، فقدان اعتماد بنفس و نفوذ والدین و بزرگترها و دسته سوم، موانع اجتماعی - فرهنگی هستند که شامل حاکمیت فرهنگ مردانه در ورزش، پیشداوری های جنسیتی - سوءاستفاده های جنسی و عدم پوشش رسانه ای ورزش زنان است. علی دینی ضمن برشمردن مواردی که در بالا آمد؛ می گوید: ورزش، ارزش ذاتی دارد. یعنی به اعتبار نیازی که برای آن از سوی جامعه زنان وجود دارد باید مورد تکریم قرار بگیرد. علاوه بر ارزش ذاتی دارای ارزش کارکردی هم هست. از جمله تأثیری که بر سلامت و روان جامعه زنان دارد. نیاز به ورزش زنان در ابعاد مختلف از جمله به ورزشگاه رفتن و با شرایط راحت تر به ورزش پرداختن، به مطالبه ای اجتماعی تبدیل شده است که نادیده گرفتن آن موجب بروز تضاد خواهد شد. گذار از «رویکرد سنت گرای تجدد ستیز» و پذیرش اصل «جهانی فکر کن - ملی عمل کن»، راهکار معرفتی برای پاسخگویی به نیاز انسانی نیمه از جامعه در عرصه ورزش است. نیازی که با توجه به شرایط جهانی تبدیل به نیاز اکثریت جامعه شده است.

رئیس مرکز آموزش علمی کاربردی فدراسیون ورزش پهلوانی و زورخانه ای و مدرس سابق با اشاره به «مهم ترین شاخص های توسعه انسانی» می گوید: سلامت، سواد و امید به زندگی سه شاخص تعیین کننده اند؛ ورزش در هر سه شاخص فوق، نقش اساسی دارد. بهداشت جهانی علاوه بر سلامت جسمانی، به سلامت روانی هم تاکید شده که پرداختن به ورزش هر دو شاخص سلامت را فراهم می کند. در علوم ورزشی و تربیت بدنی تاکید بر «سواد جسمانی» است که این سواد با مهارت های حرکتی پایه مانند راه رفتن، دویدن و... تقویت می شود. بیژن شیرازی با اشاره به سواد جسمانی و کسب مهارت ها از طریق ورزش برای زنان می گوید: سواد جسمانی باید در ۱۰ سال اول زندگی بانوان آموزش و تمرین داده شود تا مهارت های پایه برای آنان نه تنها ملکه شود؛ بلکه امید به زندگی را در این قشر افزایش دهد. علاوه بر این باید توجه داشت امروزه ورزش فقط انجام فعالیت های جسمانی نیست بلکه رویدادهای ورزشی محل بسیار مناسبی برای نمایش مهارت ها و توانمندی روحی، جسمانی و ورزشکاران بانو تلقی می شود. به گفته او، حضور بانوان در ورزشگاه ها و دیدن مسابقات ورزشی در پر کردن اوقات فراغت و تخلیه هیجانات به شکل مناسب، نقش عمده ای دارد.

ورزش زنان و تنگناها

شهناز صداقت زادگان، عضو هیأت علمی دانشگاه بحث تفسیر ایدئولوژیک قواعد دربارہ ورزش بانوان را به انضمام آن چه در حوزه قدرت وجود دارد، مطرح می کند و می گوید: مسأله ورزش در جامعه تنگناهایی دارد که این موارد برای زنان مضاعف است. بانوان عموماً در مسابقات بین المللی شرکت می کنند، ولی نتیجه مورد انتظار به دست نمی آید، پس سیاست گذاران می گویند وضعیت مورد تأیید آن ها نیست. در این زمینه، باید حواس مان باشند که ما هم بحث مشروعیت داخلی را داریم و هم مشروعیت بین المللی را. حضور زنان تا حد زیادی می تواند برای ما مشروعیت بین المللی ایجاد کند. بعد از انقلاب ورزش بانوان در اغلب مجامع و انجمن های ورزشی تفکیک شد و به واسطه برخی افراد، تا حدی رشد کرد تا دهه ۸۰ از سوی دیگر شواهد نشان می دهند تا زمانی که مدیریت ورزش بانوان در انجمن ها به دست بانوان بود، ما دستاوردهای قابل توجهی داشتیم. البته در این زمینه، عواملی مانند ضعف اقتصادی تخصص غیر مرتبط مدیران، تعداد محدود زنان فعال در حوزه ورزش بانوان نیز به عنوان موانع رشد این ورزش تأثیر گذار بوده اند.



ورزش زنان، تنگناها و موانع عرفی - اجتماعی

جهانی بیندیشیم، ملی عمل کنیم

زنان بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، به شدت آسیب پذیرند و در عین حال مسئولیت خطیر تربیت نسل آینده را بر عهده دارند. زندگی شهری هم باعث تغییر الگوهای حرکتی روزانه و کاهش فعالیت ها در زنان شده و روش های ناسالم زندگی اندام ها و عضلات آن ها را تحت تأثیر و خطر جدی فقر حرکتی و ضعف های بدنی قرار داده است. برای پیشگیری از این عوارض علاوه بر ایجاد جاذبه ها و امکانات لازم برای همگانی کردن ورزش در میان زنان، باید نگاه جامعه را هم نسبت به این مسئله تغییر داد.



مهم ورزش جلوی بی تحرکی افراد جامعه، به خصوص زنان را تا حدی می گیرند.

دستیابی به مزایای ورزشی تخلیه انرژی اضافی پر کردن زمان های بیکاری با ورزش، درک مفید بودن ورزش برای سلامتی و اصرار دوستان، آشنایان و خانواده برای شرکت در فعالیت های ورزشی تجربه ای مثبت برای زنان فراهم می کند

نیازی زن و مرد نمی شناسد. چون نیازی انسانی به شمار می آید. این پژوهشگر چنین ادامه می دهد: می توانیم بگوییم چرخه فزاینده ای میان ورزش زنان، کارکردهای آن و توسعه انسانی به عنوان یک مثلث، وجود دارد. هر چه ورزش زنان رشد کند، کارکردهای آن قوی تر می شود؛ این کارکردها، موجب رشد بیشتر توسعه انسانی نیز خواهد شد. رشد توسعه انسانی هم به معنای رشد بیشتر ورزش زنان و ادامه این تعامل است. بی توجهی به ورزش زنان به معنای، هم نادیده گرفتن ارزش ذاتی آن است و هم ارزش مطالعات و پژوهش های بازرگانی می گوید: ورزش یک نیاز جدی در جامعه امروز است؛ و هر چه زمان جلوتر می رود؛ امر ورزش فراگیرتر شده و مرزهای جنسیتی و نژادی و قومی را درمی نوردد. تأمین این نیاز از منظر رویکرد توسعه انسانی هم به معنای تقویت قابلیت های افراد است و هم به معنای تأمین حقی از حقوق شهروندی شان. چنین

ورزش زنان، جامعه شناسی و سواد جسمانی

علی دینی، استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی می گوید: ورزش یک نیاز جدی در جامعه امروز است؛ و هر چه زمان جلوتر می رود؛ امر ورزش فراگیرتر شده و مرزهای جنسیتی و نژادی و قومی را درمی نوردد. تأمین این نیاز از منظر رویکرد توسعه انسانی هم به معنای تقویت قابلیت های افراد است و هم به معنای تأمین حقی از حقوق شهروندی شان. چنین

در کسوت تماشاگر و مناقشه هایی که بر سر استادپوم رفتن مان وجود دارد و هم بر سر ورزش کردن مان چه به صورت حرفه ای که با محدودیت های خانوادگی - مثلا اجازه پدر یا همسر - مواجه است و چه به صورت تفریحی که برای روی فرم آمدن و یا سلامتی انجام می شود.

زنان هم باید ورزش کنند

خوب این دیگر چون و چرا ندارد. از هر طرف که به این مسئله نگاه کنیم می بینیم ورزش برای زنان مهم و حیاتی است، چه به خاطر خودشان، و چه برای مصالح جامعه و تربیت نسلی سالم.

زنان بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، به شدت آسیب پذیرند و در عین حال مسئولیت خطیر تربیت نسل آینده را بر عهده دارند. زندگی شهری هم باعث تغییر الگوهای حرکتی روزانه و کاهش فعالیت ها در زنان شده و روش های ناسالم زندگی اندام ها و عضلات آن ها را تحت تأثیر و خطر جدی فقر حرکتی و ضعف های بدنی قرار داده است.

برای پیشگیری از این عوارض باید علاوه بر ایجاد جاذبه ها و امکانات لازم برای همگانی کردن ورزش در میان زنان، نگاه جامعه را هم نسبت به این مسئله تغییر داد. زنان ما سهم کمی در ورزش همگانی و بالتبع ورزش قهرمانی داشته و دارند. اگر از نگاه جامعه شناسانه به این معضل اجتماعی بپردازیم دیدگاه و طرز فکر ایرانیان باعث می شود زنان نتوانند مانند آقایان در محیط های عمومی ورزش کنند. اگر زنی در معابر شهری ورزش کند نوع نگاه افراد به وی تغییر خواهد کرد پس ورزش نکردن زنان تنها به دلیل عوامل زیست شناختی نیست و عوامل اجتماعی، فرهنگی و روان شناختی نیز به طور متقابل با عوامل زیست شناختی ارتباط دارند یا ممکن است مقدم بر آن باشند. نهادهایی مانند آموزش و پرورش دانشگاه ها، محیط زیست و استانداردهای بازی های بومی و محلی، برگزاری همایش های همگانی دوچرخه سواری، اسکیت تیراندازی و اهدای جوایز جهت تشویق و ترغیب خانواده ها به امر



آذر فخری، روزنامه نگار

ما زن ها، دوسه ماه مانده به عید نوروز، به تکتو تما می افتمیم برای رفتن به باشگاه و کم کردن فوری و فوتی وزنی که در طول ۹ ماه گذشته اضافه کرده ایم. به هر حال سال نو در پیش است، قرار است به دید و بازدید برویم، مهمانی و شب نشینی داشته باشیم و... خوب «آخه این هیکل چیه من برای خودم درست کردم؟»

این است که با دو سه دوست و خواهر و همکار و خانم های همسایه جمع می شویم می رویم باشگاه یا دسته جمعی صبح علی الطلوع می رویم پیاده روی و گاهی هم از این وسایل آهنی و خشنی که شهر داری توی پارک ها و بوستان ها گذاشته استفاده می کنیم؛ البته اگر قبل از ما آقایان، آن جا را ارق نکرده باشند. که در این صورت، به همان پیاده روی اکتفا می کنیم.

داستان ما زن ها در رابطه با ورزش، یکی این است که خودمان نگاه فصلی و ابزاری نسبت به آن داریم و آن چیزی که از ورزش انتظار داریم، ربط چندانی به سلامتی مان ندارد و بیشتر برای عوض کردن و ترمیم قضاوت نگاه دیگران در مورد اندام مان انجام می شود. در این جا لازم به تذکر مهم و اکید است که این نگاه الزاما و همیشه نگاه «مردانه» نیست؛ بلکه از قضا در اغلب مواقع شامل نگاه «زنانه» هم می شود؛ ما زن ها در مورد یکدیگر قاضی های بی رحمی هستیم و در مورد زنانگی های یکدیگر شدیداً در حال نظر دادن و قضاوت و مقایسه کردیم.

دور از همه این قضاوت ها و فراتر از این مقدمه شدداد و غلاظ داستانی که می خواهیم امروز به آن بپردازیم، ورزش زنان و بایدها و نبایدهایش است. این که ما زنان همیشه در معرض نگاه جامعه - مردانه و زنانه - هستیم و همین نگاه خیره، ما را از بسیاری امکانات و توانمندی های مان محروم کرده است. یکی از مهم ترین مسائل جامعه زنانه امروز، ورزش است؛ حالا هم